شهرآرا
روزنامه شهروند شهرامید وزندگی
SHAHRARANEWS.IR
۳شنبه
۲۰ اسفند ۱۳۹۸
۱۵ رجب ۱۴۴۱
شماره ۳۰۶۴
۱۱

روزهای قرنطینه را با خواندن روایت اهل سفر از جاذبه‌های بکر ایران سر کنید

سفر با سفرنامه

گروه گردشگری

حال که کرونای گردشگر، تب سفرش عود کرده، شروع به ایرانگردی و جهانگردی نموده و نعمت سفر کردن را از ما دریغ داشته است، تصمیم گرفتیم بیکار ننشینیم و از دریچه نگاه سفرنامه نویسان ایران را سیر کنیم. این سفرنامه‌ها به قلم سفربروهایی تهیه شده که تا پیش از این از هر فرصتی برای گشت در جاذبه‌های بکر ایران بهره می‌بردند اما در این روزها که خانه‌نشین شده‌اند، با مرور خاطرات و ثبت آن بر روی کاغذ ما را با خود همراه کرده و به گوشه و کنار ایران برده‌اند. پس آماده باشید که قرار است ظرف چند دقیقه از شرق به غرب و از شمال به جنوب برویم.



آهنگ بادگیرها در «کُنگ»

مسعود نبی دوست **ماشین‌های بندر «کُنگ» سرِ سه‌راه «جهان بار» توی نوبت می‌ایستند. خود بندر کُنگ اما چیزی تا «لنگه» فاصله ندارد. خطی‌های بندرعباسی از سرِ سه‌راه جهانبار تا کُنگ را به ۳۵هزار تومان می‌روند. همان کرایه بندر لنگه. یک ساعت و خرده‌ای راه است تا کُنگ؛ بندری که حالا این سال‌ها خیلی اسم در کرده و خودش را رسانده به لافت و سیراف و...؛ بندرهایی که دیگر هم‌طراز اقتصادهای قدیمی‌شان، از گردشگری هم نان می‌خورند.**

ورودی کُنگ شبیه همه شهرهای کوچک ایران است، با یک میدان کوچک که زور می‌زند شیک به چشم بیاید و خانه‌های چند طبقه‌ای با مرمر و آجر سه سانت که کمتر آدم را یاد معماری تاریخی جنوب می‌اندازد. برای دیدنِ دیدنی‌های بندر اما باید یک ربع، بیست دقیقه‌ای به سمت دریا قدم زد. به آن سمت، کم کم همه مسیرها باریک‌تر می‌شوند. خیابان‌ها از آخرین فلکه، می‌شود کوچه پس کوچه‌های تودرتویی با دیوارهای سفیدِ خوش قد و بالا.

طرحی که به‌موقع تصویب شد

طرح مرمت بندر، چند سالی هست که تصویب شده، یک طرح ملی برای بندری که پر از بادگیرهای سفید غول‌پیکر است. از صدقه‌سری همین طرح هم هست که سفیدمالی دیوارها نو مانده و در پیچ و تاب بافت قدیمی پر است از کوچه‌های سنگ‌فرش.

عمده خانه‌ها از بیرون، عمارت‌های بزرگی به نظر می‌آیند با دیوارهای سربه‌فلک کشیده. چنان که به غیر از بادگیر بزرگ اطراف بنا، کمتر چیزی از حصار دیوارها به بیرون سرک کشیده. همین دیوارها اما کوچه‌های بندر را به مسیرهای دنجی تبدیل کرده برای عکس یادگاری گردشگرهایی که می‌خواهند در میانه سلفی‌شان، دو سه درِ چوبی، یا بادگیر و ... هم داشته باشند.

از فلکه آخر تا خیابان ساحلی که حد نهایت کوچه پس کوچه‌های پر پیچ و خم کُنگ است، درهای ۶،۷ بنای قدیمی را برای گردشگرها باز گذاشته‌اند. ۲ اقامتگاه بوم‌گردی، یک خانه صنایع دستی، یک مرکز فرهنگی و... . گلِ سرسبد همه این بناها اما پاتوق ناخدای‌های سن و سال‌دار است. ساختمانی قدیمی با حیاطی در میانه. همه این پاتوق، پر است از نشانه‌های صید و صیادی قدیم. از استخوان آرواره کوسه گرفته تا تورها و گرگورهای بندری‌ها و اسطرلاب‌های مسیریابی. اتاق گوشه حیاط هم جایی است که صبحِ ناخداها داخلش شب می‌شود.

بندری که می‌توانست «بندر بادگیرها» باشد

کنگ را می‌شد بندر بادگیرها نامید. البته اگر لافت پیشتر، این لقب را از آن خودش نکرده بود. از بالای دیوار مجاور ساحل اما اگر رو به کُنگ نگاه کنید، تمام بندر یک بدنه سفید با دیوارهای بلند و بادگیرهای غول‌پیکر است، به همراه تک‌درخت‌هایی در میانه بافت و گل‌های کاغذی خوش‌رنگی که از دیواره عمارت‌ها جست زده‌اند. همه این منظره از میانه آذر تا اواخر اردیبهشت جای مطبوعی است برای گردشگرها و صدالبته اگر عادت به هوای جنوب نداشته باشید، قبل و بعد این ایام سخت می‌توانید شرجیِ کُنگ را تحمل کنید.



وقتی تحقیقات شما را به «شهریئری» می‌رساند

شیما هاشم‌نیا، احسان منصوریان **سال ۹۷ که همراه با کودک شیرخواره‌مان، تصمیم گرفتیم دور ایران را با دوچرخه بگردیم، بازدید از جاذبه‌های تاریخی و گردشگری هر شهر جزو اولویت‌هایمان نبود. ارسلان کوچک بود و قطعا این جاذبه‌ها در یادش نمی‌ماند. بنابراین قصدمان تنها گذر از شهرها بود و بازدیدها را گذاشته بودیم برای زمانی دیگر که ارسلان هم بزرگ‌تر شود و همراه ما از جاذبه‌ها لذت ببرد. اما وقتی به اردبیل رسیدیم و درباره جاذبه‌های «شهریئری» خواندیم، نتوانستیم مقاومت کنیم.**

شهریئری یک محوطه باستانی در شهرستان مشگین‌شهر از شهرهای استان اردبیل ایران و از توابع روستای «ارجق» است که قدمتش به ۷۰۰۰ سال پیش از میلاد می‌رسد. با دوچرخه راهی شدیم و ۶۵ کیلومتر از اردبیل رکاب زدیم تا در کنار رودخانه «قره‌سو» به روستای ارجق برسیم. عبور از رودخانه پرآب با باروبندیل ما کار سختی بود، اما به هرحال انجام شد.

از آنجایی که مسیر رسیدن به محوطه باستانی سربالایی و پر از دست‌انداز بود، تصمیم گرفتیم وسایلمان را در یکی از خانه‌های روستا بگذاریم و سبک‌تر بالا رویم. در چند خانه را زدیم تا نهایتا یک نفر را یافتیم و وسایل را به امانت نزدش گذاشتیم. تماشای سنگ‌افراشت‌های بزرگی که ارتفاع برخی از آن‌ها به ۳ متر می‌رسید و حاوی نقوش بسیار زیبایی بود، مزد زحماتمان برای رسیدن به این نقطه بود. شهریئری ارزش این همه تلاش را داشت.

وسعت این منطقه تاریخی ۴۰۰ هکتار است و از ۳ قسمت دژ نظامی، معبد و قوشا تپه تشکیل می‌شود. قدمت قلعه و معبد به ۱۴۵۰ سال پیش از میلاد و قوشا تپه به ۷۰۰۰ سال پیش از میلاد می‌رسد. حدود ۲۸۰ سنگ‌افراشت باستانی در این محوطه قرار دارد که بیشتر حاوی نقوش انسان است. اما نکته جالب درباره این نقوش این است که طرح انسان‌های حک شده بر روی سنگ‌ها به شکل افرادی دست به سینه و معمولاً بدون دهان است و تنها مجسمه حکاکی شده یک بانو دهان دارد که نشان دهنده نقش پراهمیت زن در آن روزگار است. متأسفانه نکته ناراحت کننده بی‌توجهی و گاه نیز سهل‌انگاری در توجه به این محوطه باارزش تاریخی است که کمتر کسی آن را می‌شناسد.



بهشت «پالنگان»

طوبی اردلان **سرسبزی و زیبایی باغ‌ها و دشت‌های سرزمین‌های غربی ایران به ویژه کردستان رازی نیست که بر کسی پوشیده باشد اما در این میان «پالنگان» حکم نگین این انگشتری را دارد. پالنگان نوعروسی با چارقد گلدار است که چینِ دامن سبزش را تا هر کجا که چشم کار می‌کند، پهن کرده است. سرزمینی که تاریخ، هنر و طبیعت را توأمان در خود جای داده و در هر سه حوزه نیز حرفی درخور گفتن دارد.**

دره‌ای سبز را تصور کنید که در میان دو کوه بلند قرار گرفته و رودخانه‌ای خروشان چون پیچ و تاب موی نوعروسان بر گونه زمینش جاری است. ماسوله کردستان را در دو سمت دره می‌توان دید. ماشینتان را باید در ابتدای روستای پالنگان پارک و پله‌های روستا را تا رسیدن به رودخانه که در پایین دست و در عمق دره جاری است، پیاده طی کنید. برای اینکه بتوانید این راه را به سلامت پشت سر بگذارید، حتما باید کفش مناسب کوهنوردی به پا داشته باشید. بطری آب و کلاه حصیری را از قلم نیندازید. در مسیر موازی با رودخانه تنگیور باغ‌های بسیار با درختانی که اغلب آن‌ها انار و گلابی است پیش چشمتان می‌نشیند. اگر در امتداد رودخانه تنگیور به سمت جنوب‌شرقی روستا حرکت کنید در نهایت به یک آبشار و بیش از ۲۰ چشمه جوشان می‌رسید که به رود سیروان می‌ریزند. برای رسیدن به این آبشار می‌توانید از میان کوهستان و باغ‌های قدبرافراشته بر دامنه کوه بروید اما دل به آب زدن و حرکت در مسیر رودخانه هم صفای خودش را دارد، هرچند که به همه توصیه نمی‌شود زیرا آب این رودخانه زیاد است و عمق آن در برخی نقاط به یک و نیم متر می‌رسد. در ابتدای روستای پالنگان و در حاشیه رودخانه تنگیور برای آسایش مسافران آلاچیق و اتاقک‌هایی ساخته شده که می‌توانید برای ساعاتی در آن اتراق کنید.

از زیبایی‌های طبیعت پالنگان که بگذریم، جالب است بدانید هزاران سال است که در این روستا مراسم جشن‌های ایران باستان برگزار می‌شود و زیباترین آن‌ها ۱۸ یا ۱۹ اسفند در استقبال از نوروز باستانی است. کوچک‌ترها ۲ روز قبل از این تاریخ، مشغول جمع‌آوری هیزم می‌شوند. آن روز به خصوص زن و مرد با مشعلی زیر پل روستای پالنگان می‌روند و بعد شنیدن شلیک تیر، هیزم‌هایی را که در ۵ نقطه روستا گذاشته‌اند روشن می‌کنند. بعد از تیر دوم مردم مشعل‌هایشان را آتش می‌زنند و با شلیک سوم از پله‌های روستا بالا می‌روند و روی سقف خانه‌ها می‌ایستند. بعد از آن همگی بر روی خانه‌ها یا لب رود تنگیور کنار بزرگ‌ترین آتش هلپرگه حرکات آیینی کردی انجام می‌دهند. آن‌ها با این کار آمدن بهار و گرم شدن هوا را جشن می‌گیرند. پالنگان در استان کردستان و در چهل‌وهشت کیلومتری شمال غرب شهرستان کامیاران در میان دره‌ای سبز به نام «تنگیور» جا خوش کرده و نزدیک به ششصدسال مقر و پایتخت حکومت پادشاهی خاندان اردلان بوده است. ما برای رسیدن به پالنگان جاده را زیر چرخ ماشین انداختیم و چشم از نقشه و تابلوهای راهنمایی که در مسیر بودند، برنداشتیم.

در چهارراه رسولی

به دنبال اسبم
به دنبال خود بدوی‌ام می‌گردم
لای ترانه هندی
میان کفش‌های دستِ دوم
ترشی پاکستانی طعمِ تندی دارد
درست مثل طالبان
این بادهای سرگردان به دنبال چیزی می‌گردند
درست مثل من!
از روی نوار نقاله فرودگاه چمدان کوچکم را برمی‌دارم
در خیابان‌های مشهد گریه می‌کنم
برای خودم
اسبم
و لباس‌های بی‌صاحب چهارراه رسولی.»

سفر به جغرافیای رسولی

۳ برش درباره زاهدان و زابل

سلمان نظافت یزدی **سفر هیچ‌زمان تکراری نمی‌شود حتی اگر یک مسیر و مقصد را چندبار بروید، هرزمان برای خودش تازگی دارد و تجربه‌ای و خاطره‌ای. نوشتن درباره سیستان و بلوچستان برای من که چند بار در این جاده رفته‌ام و هربار تکه‌ای از خودم را جا گذاشته‌ام تفکیک هرکدام از مراجعت‌ها سخت است. هر خاطره و هر دیدار جایی به هم گره خورده و خاطرات انگار جای خالی هم را پر کرده‌اند. این متن بریده‌هایی منسجم از سفر به سیستان و بلوچستان است.**

درجست‌وجوی مهاجران سیبری

اولین سفر به زاهدان که مرکز استان سیستان و بلوچستان است، به بهانه دیدن پرنده‌های مهاجر «تالاب کجی» نهبندان شکل گرفت. قرار بود برویم پرنده‌هایی را ببینیم که از سیبری بال زده بودند و خودشان را به تالاب کجی رسانده بودند. ما نیمه‌شب رسیدیم نهبندان و تابلوهای زاهدان در مسیر و فاصله سه ساعته تا چهارراه رسولی ما را وسوسه کرد که خودمان را برسانیم میان لباس‌های دسته دوم و کفش‌های کوهنوردی و اتمسفر عجیب خیابان.

ما که رسیدیم هنوز جهان رسولی تعطیل بود، گیج خواب بودیم و شوق کشف ناشناخته‌ها را داشتیم. بالاخره دکان به دکان این بازار تودرتو باز شد و عجیب که همه چیز در آن یافت می‌شد.

توصیه اول: اگر اهل خرید شکلات و بیسکویت خارجی و لباس و کفش (به‌ویژه کفش کوه) دسته دوم نزدیک به نو هستید در این بازار بیشتر وقت بگذارید.

زابل، شهر سوخته

تعطیلات عید (البته نه امسال) مسیر زابل و زاهدان و حتی چابهار می‌تواند مسیر خوبی برای سفر باشد. مسیر و مقاصد تا حدودی خلوت و بکر و دور از ترافیک‌های مرسوم عیدانه جاده‌های شمالی.

اگر از مشهد ظهر حرکت کنید (نویسنده متن به رانندگی در صبح اعتقادی ندارد) می‌توانید شب را نهبندان بمانید و صبح در هوای سُکرانگیز، سکوت مهربان و تاریخ کاه‌گلی آن منطقه که در آسیابادها متبلور شده، از خواب بیدار شوید. لطفا بدون تماشای آسیابادهای نهبندان به جاده نزنید.

فاصله ۱۸۰ کیلومتری نهبندان تا زابل را اگر بدون عجله برانید با گندمزار، نخلستان و جاده‌های کش آمده روبه‌رو خواهید شد که می‌تواند ایستگاه خوبی برای خوردن چای و تأمین محتوای اینستاگرامی باشد.

زابل شگفت‌انگیز و ساده. بازاری سرشار از پارچه و رنگ و دیدن چهره‌های دیگری از ایران که انگار کمتر کسی به سراغشان رفته و مهربانی‌شان را قاب گرفته است. اگر خاطره‌ای از ضبط‌های زابلی داشته‌اید (در روزگار رونق بازار عباسقلی‌خان مشهد، ضبط‌های ژاپنی دسته دوم با نام ضبط زابلی خرید و فروش می‌شد) در این بازار زنده خواهد شد و می‌توانید کلی وسیله برقی عجیب و غریب چینی را هم آنجا ببینید.

اگر برنامه‌ای برای شب ماندن دارید (که توصیه می‌کنم داشته باشید تا ادامه مسیر زابل-زاهدان را در روز ببینید) خانه معلم می‌تواند برای اسکان جای خوبی باشد، ما که خیلی آدم‌های خوش‌شانسی هم نیستیم، در عید هم بدون وقت قبلی آنجا اتاق گیر آوردیم.

با حساب اینکه شب را در زابل ماندید. بهترین و مهم‌ترین پیشنهاد برای ادامه مسیر به سمت زاهدان، تماشای «شهر سوخته» است. شهر سوخته در ۵۵ کیلومتری جاده زابل-زاهدان قرار دارد و در سال ۱۳۹۳ در بخش میراث جهانی یونسکو ثبت شده است. شهر سوخته بقایای یک تمدن پنج هزار ساله است و به شدت تماشای آن می‌تواند به آدم کمک کند تا ذره بودنش را تجسم و فهم کند و به او بفهماند که ما از پی چه مردمانی آمده‌ایم.

توصیه دوم: اگر اهل خرید پارچه هستید بازار زابل را فراموش نکنید.

غرق رنگ

برای سفر دوباره به زاهدان می‌توان برنامه‌های جدی‌تری داشت. مثلا تماشای مسجد جامع مکی زاهدان، ساختمان قدیمی گمرک در زاهدان، و خوردن غذاهای محلی آن منطقه که گوشت بز نقش پررنگی در آن ایفا می‌کند هم بد نیست. زاهدان باتوجه به مرکز استان بودنش در مقایسه با دیگر مراکز استان از محرومیت‌هایی رنج می‌برد که دیدنش حتما شما را شگفت‌زده خواهد کرد. برای اسکان در زاهدان هتل جهانگردی گزینه مناسبی می‌تواند باشد که هم اتاق دارد و هم سوئیت و از استانداردهای حداقلی برخوردار است.

اگر بیشتر اهل بازار هستید به بازار مرکزی زاهدان که در مرکز شهر قرار دارد هم حتما سر بزنید، غرق شدن در رنگ و عطر ادویه‌ها می‌تواند جزو تفریحات کم‌خرج این سفر برای شما باشد.

توصیه سوم: گول گوشی اصلی موبایل با قیمت پایین را برای خرید نخورید. کارت سوخت حتما همراه داشته باشید که آن منطقه به دلیل قاچاق سوخت، جایگاه‌ها زیاد کارت سوخت آزاد ندارند.



«تنگه واشی» همیشه باشی

ایمان زمردنایی **نوروز که تهرانی‌ها شهر را خلوت می‌کنند، بهترین زمان برای بازدید از یکی از بهترین جاذبه‌های طبیعی و البته تاریخی اطراف تهران است که معمولا در سایر روزهای سال جای سوزن انداختن ندارد. در هفده کیلومتری تهران به سمت جاده فیروزکوه، نزدیک روستای «جلیزجند» منطقه‌ای است به نام «تنگه واشی» که یکی از مقاصد ثابت تفریح تهرانی‌هاست، البته بیشتر در تابستان، چرا که برای رفتن به این تنگه باید بارها دل به آب بزنید. ۲۵۰ متر اولی که پیش رو دارید، یک مسیر باریک است که برای گذر از آن باید از آب سردی بگذرید. اگر در فصل پر بارشی مثل بهار و یا پاییز به این منطقه بروید، ممکن است حتی تا کمر هم داخل آب باشید. یادتان باشد با اینکه خطر غرق‌شدگی وجود ندارد اما هنگام قدم برداشتن مواظب باشید پایتان را بر روی سنگ‌های درشت بگذارید.**

بعد که به مسیر هزار و هفتصد متری تنگه ساواشی می‌رسید، دیگر خبری از رد شدن از میان آب‌ها نیست. در این مسیر شما کاملا به یک دشت وسیع می‌رسید که می‌توانید استراحت کنید و از محیط طبیعی تنگه لذت ببرید. البته اگر قصد رفتن به این منطقه را دارید و تعریف آبشار تنگه واشی را شنیده‌اید باید بدانید که از ساواشی تا آبشار هم باید یک پیاده‌روی هشتصد متری را داشته باشید. در زبان گیلکی، کلمه واش به معنای چمن است و این دقیقا به خاطر سرسبزی این منطقه گفته می‌شود. ۳ کتیبه تاریخی به دستور فتحعلی‌خان قاجار در مسیر این تنگه قرار دارد که به کتیبه تنگه واشی هم معروف است.

اگر خواستید به تنگه واشی بروید از کفش‌های مخصوص آب استفاده کنید و ترجیحا کودک همراهتان نداشته باشید، تا مجبور نشوید تا مقصد او را کول کنید.

